

## جمهوری اسلامی کشور را بسوی یک جنگ منطقه‌ای می‌برد؟

هادی زمانی

۱۰ اکتبر ۲۰۲۳

[www.hadizamani.com](http://www.hadizamani.com)

سیاست به اصطلاح نابودی اسرائیل، همانند غرب ستیزی، یک ستون پایه اصلی ایدئولوژی جمهوری اسلامی (ج.ا.) است. رهبر ج.ا. نه تنها به این اصل عمیقاً باور دارد، بلکه تحقق آن را در آینده‌ای نه چندان دور، امری شدنی و حتی اجتناب ناپذیر می‌داند.

اما برای جمهوری اسلامی اصل برتری نیز وجود دارد که همانا حفظ نظام ج.ا. است. سیاست «محو» اسرائیل می‌تواند اصل برتر حفظ نظام را با چالش‌ها و مخاطرات سنگینی مواجه سازد. رهبران ج.ا. به این امر آگاه هستند. راه کار آنها برای مدیریت تنش بین این دو اصل و ایجاد تعادل بین آنها، رویارویی با اسرائیل از طریق گروه‌های نیابتی، بدون مشارکت مستقیم است. این استراتژی دارای چهار محور اصلی است:

۱. تبدیل اسرائیل ستیزی به یک گفتمان سیاسی فراگیر در ایران و منطقه.
۲. تضعیف جناح‌های میانه رو که برای ایجاد یک صلح پایدار بین فلسطین و اسرائیل تلاش می‌کنند.
۳. پشتیبانی مالی و لجستیک از گروه‌هایی مانند حماس و حزب الله.
۴. هماهنگ سازی استراتژی کلی تر «ایجاد عمق استراتژیک» با سیاست اسرائیل ستیزی.

هدف این استراتژی ایجاد تعادل بین دو اصل حفظ نظام و سیاست اسرائیل ستیزی است. اما می‌بایست به دو نکته توجه داشت. نخست، این تعادل یک تعادل ایستا نیست، بلکه یک تعادل پویا است که خروجی آن بسته به شرایط بین المللی و شرایط داخلی ج.ا. تغییر می‌کند. هرگاه که شرایط بین المللی اجازه بدهد و شرایط داخلی ج.ا. ایجاب کند، عقربه این تعادل بسوی رویارویی با اسرائیل می‌چرخد و هرگاه که شرایط خلاف آن را ایجاب کند، از آن دور می‌شود. دوماً، در شرایطی که ج.ا. در حل مشکلات و بحران‌های داخلی خود ناتوان باشد و شدت این بحران‌ها به حدی باشند که ادامه حیات ج.ا. را به خطر بیندازند، این تعادل میتواند اساساً ناپایدار باشد. در چنین شرایطی، استراتژی اسرائیل ستیزی ج.ا. نهایتاً ایران را بسوی رویارویی مستقیم با اسرائیل و در پی آن یک جنگ منطقه‌ای خواهد برد.

اکنون، با توجه به شرایط داخلی ج.ا. و شرایط بین المللی، عقربه استراتژی ج.ا. به شدت بسوی رویارویی با اسرائیل چرخیده است.

در فرایند جنبش انقلابی «زن - زندگی - آزادی» ج.ا. با بحران‌هایی مواجه شده است که ادامه وضع موجود را برای آن غیر ممکن ساخته است. مجموعه‌ای از ابر بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، همراه با ناکارآمدی و فساد گسترده، تمام ارکان نظام را در بر گرفته و اکثریت بزرگ جامعه، به ویژه نسل جوان، دیگر نظام ج.ا. را بر نمی‌تابد.

سرکوب همه جانبه تنها پاسخ ج.ا. به این وضعیت بوده است. اما سرکوب، هر چقدر هم شدید و بی‌رحمانه باشد، در بلند مدت نمی‌تواند با این وضعیت مقابله کند. زیرا کارآمدی آن نهایتاً فرسوده خواهد شد، به حدی که می‌تواند به نتیجه عکس بیانجامد. رهبران ج.ا. این را می‌دانند و با توجه به شرایط بین‌المللی، راه خروج از این وضعیت را در تشدید جنگ نیابتی با اسرائیل و سو استفاده از همدلی مردم ایران با مبارزات مردم فلسطین یافته‌اند.

درگیری آمریکا و اروپا در جنگ اوکراین، تمرکز سیاست خارجی آمریکا بر روی چین و مشکلات اقتصادی که غرب با آن درگیر است، از جمله عواملی هستند که پیگیری این استراتژی را برای ج.ا. تسهیل کرده اند. ج.ا. بر این باور است که در شرایط موجود غرب به اقدام نظامی علیه ج.ا. دست نخواهد زد.

تشدید گفتمان اسرائیل ستیزی ج.ا. در چند ماه گذشته، همراه با کمک‌های فزاینده آن به حماس و حزب الله و تلاش‌های آن برای شکست پیمان ابراهیم و برهم زدن نزدیکی اسرائیل با کشورهای عربی، به ویژه نزدیکی اسرائیل به عربستان سعودی و ملاقات‌های مکرر با رهبران حماس و حزب الله در این راستا قابل درک است.

اکنون، با حمله اخیر حماس به اسرائیل به نظر می‌رسد که ج.ا.، دستکم در کوتاه مدت، به اهداف خود دست یافته است. پیمان ابراهیم و برنامه صلح اسرائیل با کشورهای عربی، به ویژه با عربستان سعودی، از ریل خارج شده است و در عرصه داخلی موج اولیه همدلی مردم ایران با مبارزات مردم فلسطین تا حدودی ج.ا. را از زیر فشارهای سیاسی داخلی خارج کرده است. اما در یک چشم انداز بلند مدت تر، دور از تصور است که این تحول بتواند ج.ا. را از وضعیتی که گرفتار آن است نجات دهد. شدت بحران‌های ج.ا. و نارضایتی اکثریت مردم ایران از حکمرانی ج.ا. بسیار شدیدتر از آن است که این تحول بتواند آن‌ها را خنثی کند.

همچنین، تلاش ج.ا. برای بهره برداری از همدلی مردم ایران با مبارزات مردم فلسطین نیز چندان موفق نبوده است. بخش بزرگی از مردم دست ج.ا. را خوانده و همدلی اولیه آنها با مبارزات مردم فلسطین با سرعت به سرزنش ج.ا. برای قرار دادن ایران در معرض خطر جنگ و نگرانی برای سرنوشت مردم بی گناه نوار غزه تبدیل شده است. افزون بر این، حمله حماس به اسرائیل می‌تواند برای ج.ا. دارای پیامدهای بلند مدت بسیار خطرناکی باشد.

گروه حماس از استقلال تشکیلاتی برخوردار است و از ج.ا. دستور نمی‌گیرد. لذا نمی‌توان حمله اخیر حماس به اسرائیل را مستقیماً به ج.ا. نسبت داد. اما بی شک کمک‌های مالی و تسلیحاتی ج.ا. به حماس نقش تعیین کننده‌ای در این فرایند داشته است. با اطمینان می‌توان گفت که بدون پشتیبانی‌های ج.ا.، حماس نمی‌توانست چنین عملیات نظامی گسترده و پیچیده‌ای را علیه اسرائیل به اجر بگذارد. در واقع، در حمله فاجعه آمیز حماس به اسرائیل، دامنه پشتیبانی ج.ا. از حماس آنقدر گسترده و عمیق بوده که ج.ا. در مرز باریک بین پشتیبانی و مشارکت در جنگ ایستاده است.

برای جلوگیری از گسترده شدن دامنه جنگ، امریکا اظهار داشته که در حال حاضر شواهدی دال بر مشارکت مستقیم ج.ا. در اقدام نظامی حماس علیه اسرائیل در دست نیست. برای جلوگیری از باز شدن جبهه‌های جدید علیه خود، اسرائیل نیز این مطلب را تأیید کرده است. از سوی دیگر، انکار ج.ا. و تأکید آن بر دست نداشتن در حمله حماس به اسرائیل اساساً بخشی از استراتژی ج.ا. است. همانطور که در بالا توضیح داده شد، استراتژی اسرائیل ستیزی ج.ا. بر پایه جنگ نیابتی و خودداری از مشارکت مستقیم تنظیم شده است. اما این همه بدین معنی نیست که ج.ا. از پیامدهای این جنگ در امان است.

چنانچه غرب بتواند از گسترده شدن دامنه جنگ جلوگیری کند و با برقراری آتش بست شرایط را تحت کنترل در آورد، خطر ورود مستقیم ج.ا. به جنگ با اسرائیل و در پی آن اقدام نظامی علیه ج.ا. فعال خواهد شد. اما پس از برقراری مجدد «نظم»، به احتمال زیاد رویکرد غرب در برابر ج.ا. دگرگون و بسیار سختگیرانه تر خواهد شد. این وضعیت می‌تواند به تحریم‌های شدیداً فلج کننده غرب علیه ج.ا. بیانجامد که احتمال فروپاشی نظام ج.ا. را تقویت خواهد کرد.

اما چنانچه دامنه این جنگ گسترده شود، احتمال کشیده شدن پای ج.ا. به جنگ با اسرائیل و در پی آن اقدامات نظامی علیه ج.ا. خارج از تصور نیست. عوامل سیاسی در صحنه سیاست داخلی اسرائیل و سیاست داخلی و خارجی ج.ا. می‌توانند نقش مهمی در تحقق این سناریو ایفا کنند.

موفقیت چشمگیر حماس در حمله اخیر به اسرائیل تا حد قابل توجهی ناشی از غافلگیر شدن ارتش اسرائیل و ناتوانی دستگاه‌های امنیتی و نظامی آن در پیش‌بینی و پیشگیری این حمله بوده است. شواهد متعددی حاکی از آن است دستگاه‌های امنیتی و نظامی اسرائیل نشانه‌های اولیه آماده شدن حماس برای حمله به اسرائیل را نادیده گرفته و اقدامات لازم برای برای پیشگیری جنگ را انجام نداده‌اند. افکار عمومی اسرائیل دولت دست راستی نتانیا‌هو را مسئول این شکست می‌داند. این وضعیت به احتمال زیاد به شکست نیروهای دست راستی در انتخابات بعدی اسرائیل خواهد انجامید.

در چنین شرایطی، دولت دست راستی نتانیا‌هو ممکن است به اقدامات نسنجیده دست بزند و با ورود به غزه و اعمال خشونت «بیش از اندازه» اقدام به نابودی کامل حماس کند. در این وضعیت، بنا به ملاحظات داخلی و منطقه‌ای، امکان اینکه ج.ا. بتواند در کنار گود بماند و تنها به پشتیبانی «معنوی» از حماس بسنده کند، برای آن بسیار دشوار خواهد شد. این شرایط می‌تواند ابتدا به ورود همه‌جانبه حزب الله و سپس ورود ج.ا. به جنگ بیانجامد که به احتمال زیاد به اقدام نظامی علیه ایران خواهد انجامید.

احتمال تحقق این سناریو را می‌بایست بسیار جدی گرفت، زیرا پیامدهای آن برای منطقه و جهان فاجعه‌بار خواهد بود. برای جلوگیری از تحقق این فاجعه، همه کشورها، به ویژه آمریکا و اتحادیه اروپا می‌بایست تمام سعی خود را بر توقف فوری جنگ و سپس یافتن یک راه حل منصفانه و پایدار متمرکز کنند.

آرامش و صلح در خاورمیانه نیازمند یافتن یک راه حل منصفانه و پایدار برای حل مسئله «اسرائیل-فلسطین»، مانند تشکیل دولت مستقل فلسطین، و پشتیبانی از مبارزات مردم ایران برای گذار از جمهوری اسلامی است. بدون حل منصفانه مسئله فلسطین و گذار مسالمت آمیز از جمهوری اسلامی، خاورمیانه آرامش نخواهد داشت و ناآرامی خاورمیانه نهایتاً صلح جهانی را به خطر خواهد انداخت.

جهان می‌تواند و می‌بایست حمله فاجعه آمیز حماس به اسرائیل را به فرصتی برای حل منصفانه مسئله فلسطین و همچنین فرصتی برای پشتیبانی از مبارزات مردم ایران برای گذار سامانمند از ج.ا. تبدیل کند.